

Type of article (research article)

Investigating and analyzing citizen participation metrics in new cities (Case study of Sahand New City)

Mohammad soodi: Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department Of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Nasrin ashrafi: Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department Of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Article Einfo

Received: 06/01/2025

Accepted: 18/02/2025

PP: 60-72

Abstract

Keywords:

Participation, citizens,
satisfaction, Sahand New
City

Autism is a developmental disorder affecting social interaction, language, and communication, emerging within the first three years of life and resulting from a neurological disorder that impacts brain function. Children with autism differ from their peers in physical, intellectual, and behavioral aspects. This disorder prevents them from living like neurotypical individuals or studying alongside other children in conventional educational environments. These children require tailored educational spaces that address their unique needs to enhance learning, social participation, and communication.

In Fars Province, approximately 709 children with autism spectrum disorder (ASD) have been registered and screened through the welfare system, with 110 children currently receiving services at two centers in Shiraz. This mixed-methods research (combining quantitative and qualitative approaches) involved interviews, card sorting, and questionnaires administered randomly to 50 children with autism, 50 family members, and 50 specialists. The study aims to identify key factors influencing the design of educational spaces for children with autism.

Using a T-test analysis, the results revealed that physical factors - such as color, lighting, ventilation, and high-quality materials - received the highest priority, while safety/security factors ranked lowest. The findings indicate that incorporating natural and artificial lighting, appropriate color schemes, quality materials, and optimal air quality in educational spaces significantly enhances learning quality for children with autism.

Furthermore, the study concludes that complex and curved geometric forms attract attention and stimulate curiosity and enjoyment in children. When combined with warm colors, green spaces, and water features, these elements contribute to improved learning outcomes for children with autism.

Citation: Soodi, M, Ashrafi, N. (2024). Investigation and Analysis of Citizen Participation Metrics in New Cities (Case Study: Sahand New City). *Architecture and Human-Centered Environments*, 1 (2), 60-72.

Extended Abstract

Introduction

Citizen participation is one of the key pillars of sustainable urban development, influencing both the efficiency and equity of city governance. In recent decades, the role of local communities in planning and decision-making processes has gained prominence, particularly in new towns, where rapid urbanization and migration often hinder the formation of social cohesion and place attachment. The case of Sahand New City, located near Tabriz, Iran, exemplifies the challenges and potentials of fostering public engagement in urban affairs. The city has witnessed a dramatic population growth, transforming from a temporary residential area into a more permanent urban setting. Yet, low levels of local identity and civic participation remain problematic. This research aims to investigate the key social factors that influence citizen participation in Sahand, focusing on elements such as social trust, interaction, awareness, solidarity, satisfaction, and place attachment.

Methodology

The study is applied in purpose and descriptive-survey in method. A structured questionnaire comprising items across 68 constructs—including social awareness, social interaction, social trust, social solidarity, practical participation, attitude toward participation, residential satisfaction, and place attachment—was developed. The statistical population consisted of the residents of Sahand New City, totaling 75,000 people. Using Cochran's formula, a sample size of 485 respondents was determined. Data collection combined library-based research and field surveys. For analysis, Structural Equation Modeling (SEM) using the SmartPLS 3 software was employed to examine the direct and indirect relationships between latent variables. The validity and reliability of the instrument were confirmed through convergent and discriminant validity measures, as well as Cronbach's alpha and composite reliability indices.

Results and Discussion

The findings demonstrate that several dimensions of social capital—including social interaction, solidarity, trust, and awareness—have a significant and positive impact on citizens' attitudes toward participation. Moreover, residential satisfaction was found to positively influence place attachment, which in turn enhances both the attitude toward and the actual practice of participation. Notably, the strongest predictors of practical participation were attitude toward participation and place attachment. The SEM model revealed strong path coefficients and R^2 values for key dependent variables, indicating a good model fit. The study confirms that participation in urban affairs is a multifaceted phenomenon shaped by a combination of social, spatial, and individual factors. The results underline the importance of fostering social capital and emotional bonds to place as prerequisites for meaningful and sustained civic engagement, especially in newly developed urban settings like Sahand.

The architecture of educational environments can significantly influence the behavior of children with autism. This group of children requires specific conditions in their educational settings to encourage progress, necessitating tailored features. Thus, the quality of these spaces must align with their unique needs and behaviors. Such environments can foster mental, behavioral, and personal growth in children with autism.

نوع مقاله (علمی-پژوهشی)

بررسی و تحلیل سنجه‌های مشارکت شهروندان در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید سهند)

محمد سودی: دانش‌پژوه دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نسرین اشرفی: دانش‌پژوه دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

شماره صفحات: ۶۰-۷۲

مشارکت یکی از مفاهیم اصلی و مؤثر در توسعه پایدار محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل معیارها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در افزایش مشارکت مردمی یعنی پایگاه اجتماعی اقتصادی خانوارهای ساکن در شهرهای جدید پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که مشارکت شهروندان و ساکنان رابطه مستقیمی با توسعه شهری دارد. به عبارت دیگر هر چه میزان مشارکت شهروندان بیشتر باشد تحقق توسعه شهری قابل دستیابی و آسان‌تر خواهد بود. هدف این تحقیق تعیین و بررسی تأثیر سنجه‌های مشارکت ساکنان شهر جدید سهند در امور شهری است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها جز پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی و مدل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. پس از مرور ادبیات تحقیق پرسشنامه‌ای با ۸ متغیر (آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت عملی، نگرش به مشارکت، رضایتمندی، دلبستگی به مکان) و تعداد ۶۸ سؤال تهیه شد. جامعه آماری ساکنان شهر جدید سهند با ۷۵۰۰۰ نفر است که با فرمول کوکران حجم نمونه ۴۸۵ به دست آمده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS21 و smart-PLS3 استفاده گردید. نتایج بیانگر این است که متغیرهای تعامل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی از حوزه سرمایه اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر معناداری دارند. متغیر رضایتمندی بر دلبستگی به مکان اثر دارد و دلبستگی به مکان بر نگرش به مشارکت و مشارکت عملی تأثیر مثبتی دارد. به‌طور کلی بحث مشارکت شهروندان در امور شهری در شهر جدید سهند هم‌زمان از ویژگی‌های اجتماعی، مکانی و فردی تأثیر می‌پذیرد.

واژگان کلیدی:

مشارکت، شهروندان، رضایتمندی، شهر جدید سهند

استناد: سودی، محمد و اشرفی، نسرین (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل سنجه‌های مشارکت شهروندان در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید سهند). فصلنامه معماری و محیط‌های انسان محور، ۱ (۲)، ۶۰-۷۲.

مقدمه

در بررسی و ارزیابی برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به‌عنوان عامل اصلی شکست ارزیابی شده است؛ لذا پس از آن در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی انسان‌ها تأکید شده است (وحید و نیازی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). در عصر حاضر نیز هم‌زمان با مهم شدن نقش مردم در اجتماع‌های شهری، مشارکت در عرصه سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی برابر به همه شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهری، مجال ظهور یافته است. در حال حاضر مشارکت همه شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی اصلی پذیرفته شده در همه کشورهای توسعه یافته و بخشی از کشورهای در حال توسعه است (گیلانده، ۱۳۹۳: ۸۳). در مجموع، موضوع مشارکت اجتماعی موضوع جدیدی نیست؛ در طی پنجاه سال گذشته مطالعات متعددی در مورد این موضوع انجام شده است. موضوع مشارکت یک موضوع چند وجهی است لذا برای درک کامل موضوع مشارکت اجتماعی باید از دیدگاه‌های مختلف و به‌عنوان یک پدیده چندبعدی بررسی شود (Parada, 2009:17) در این میان، یکی از عواملی که بر مشارکت مردم یک مکان یا محله تأثیر گذار است، دلبستگی و تعلق مکانی است. دلبستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد باعث افزایش انگیزه و احساس مسئولیت شهروندان شده تا در جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش نمایند، از همین رو است که احساس تعلق مکانی و به دنبال آن مشارکت می‌تواند اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی را در اجتماع محلی با موفقیت چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود ببخشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). از طرف دیگر، پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است که یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از اهمیت مسائل اجتماعی آگاه نمی‌شوند یا ابزارهای موجود جوابگوی مشکلات نیست، فرصت‌های مشارکت اجتماعی هم پایین‌تر خواهد بود (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴). علاوه بر عامل آگاهی اجتماعی، عواملی مانند همبستگی، تعامل و اعتماد در محله و شهر که در واقع زیرمجموعه مفهوم سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرند، بر نگرش شهروندان و مشارکت عملی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. سرمایه اجتماعی به واسطه رابطه‌اش با دیگر پدیده‌های ریشه‌ای جامعه مانند نظم اجتماعی، آگاهی اجتماعی، رضایت اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). احساس تعلق به مکان یکی از موضوعاتی است که غالباً در شهرهای جدید به دلایل مختلف در دوره کوتاهی ایجاد نمی‌شود و با توجه به شرایط این گونه اجتماع‌های شهری، ریشه بسیاری از معضلات در شهرهای جدید، عدم ایجاد احساس تعلق به مکان در شهروندان این شهرها است. یکی از راههای ایجاد حس تعلق به مکان زندگی در شهرهای جدید، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهری است. شهر جدید سهند به سبب ویژگی‌هایی که دارد، توجه به بحث مشارکت شهروندان اهمیت پیدا می‌کند؛ ازجمله اینکه این شهر از شهرهای مهاجر پذیر تبریز است. جمعیت این شهر از ۱۳۶۱۰ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۷۵۰۰۰ در نفر در سال ۱۴۰۰ رسیده است. مهاجرت مردم از شهرهای اطراف به خصوص تبریز موجب می‌شود که اغلب از شهر جدید سهند نه به‌عنوان جایی برای سکونت دائم که به‌عنوان منزلگاهی موقت و به‌عنوان شهری خوابگاهی استفاده می‌کنند و در اولین فرصت جای خود را به دیگران می‌دهند.

وجود مسئله عدم ماندگاری جمعیت و عدم ایجاد حس تعلق به مکان در این منطقه و مهاجرپذیری آن و به دنبال آن طرح‌های جدید شهری نیازمند بررسی بحث مشارکت شهروندان و متغیرهای مؤثر بر آن است؛ بنابراین و با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، این پژوهش سعی دارد تا به بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری شهر جدید سهند بپردازد. بر این اساس فرضیه‌های زیر برای این پژوهش در نظر گرفته شده است.

- آگاهی، تعامل، اعتماد، همبستگی اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد.
- نگرش به مشارکت و دلبستگی مکانی بر مشارکت عملی تأثیر مثبت دارد.
- رضایت‌مندی بر دلبستگی مکانی تأثیر مثبت دارد.
- دلبستگی مکانی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد.

ادبیات و مبانی نظری

مشارکت اجتماعی

مشارکت در دایره‌المعارف دهخدا به مفهوم شراکت، انبازی، حصه‌داری و بهره‌برداری بوده و معادل آن در زبان انگلیسی (participation) آورده شده است. عمل شرکت در یک فعالیت یا رویداد در فرهنگ آکسفورد به معنای واژه مشارکت را به واری الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها علوی تبار در پژوهش خود تحت عنوان بیان کرده و جوهره اصلی آن را «درگیری»، «فعالیت» و «تأثیرپذیری» درگیری و تجمع برای

منظوری خاص معنای دانسته است. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت می‌کند که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱، ۳۱) فرآیند و حق اساسی که در طی آن، مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن به‌طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی‌شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها برای یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه باشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرآیند نگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهند عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار و... را در آن دخالت دهیم، برنامه‌ریزی شهری مشارکتی را خواهیم داشت (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ در اداره امور شهرها برای ضرورت مشارکت شهروندان دلایل متعددی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. گسترش ارزش‌های فرهنگی جامعه که از عوامل تقویت هنجارهای برابری و مردم‌سالاری است و به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت می‌انجامد.
۲. تغییراتی که در میزان بهره‌مندی از آموزش و سن و سطح درآمد شهروندان پدید آمده است، هم انگیزه برای مشارکت جوانان تحصیل کرده و متعلق به طبقه متوسط را افزایش داده و هم مشارکت را بالا برده است.
۳. مشارکت در امور مختلف موجب افزایش بازدهی و کارایی شده است.
۴. افزایش پیچیدگی روابط در شهرها، امکان اداره شهر با روش‌های انفرادی و دستورمآبانه را از بین برده است (موحدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸).

مشارکت و مشارکت اجتماعی را می‌توان به انواع مختلف تعریف کرد و این امر از ماهیت چندبعدی مفهوم مشارکت شکل می‌گیرد؛ به‌نحوی که با تأکید بر بعدی از ابعاد متنوع آن تعاریف متفاوتی به دست می‌آید. مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و در محیط کار و عرصه سیاسی (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. بنابراین انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (Helly, 2001) اشکال مشارکت اجتماعی را می‌توان به دو حالت زیر مورد مطالعه قرار داد:

الف) نهادی و رسمی که دربرگیرنده عضویت در نهادها، انجمن‌ها و باشگاه‌ها با فعالیت برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است.

ب) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده دو نوع است:

۱. مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود.
۲. مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به‌صورت مؤسسه و سازمان نیستند، ولی نسبتاً دائمی و ثابت هستند (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۶۷). در این پژوهش، تمرکز بر عواملی است که بر مشارکت تأثیرگذارند و می‌تواند مشارکت را محدود یا افزایش دهند.

عوامل مؤثر بر مشارکت

۱- دلبستگی مکانی

مفهوم دلبستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. انسان می‌تواند به یک جسم، خانه، ساختمان، محله و یا یک شهر، جذب شود (Low & Alt man, 1992: 5). اهمیت دلبستگی به مکان از آن‌روست که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن میزان مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه کارآمدتری را برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. به لحاظ اجتماعی، دلبستگی به مکان زمینه مساعدی را فراهم می‌کند تا ساکنان بر امور جاری و محلی نظارت بیشتری داشته باشند و با علاقه بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند (Perkins and long, 2002)، دلبستگی به مکان نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه کارآمدی برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. دلبستگی و احساس تعلق به مکان، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیاء و نوسازی همه‌جانبه محیط زندگی بپردازند و کیفیت محیطشان را بهبود بخشند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۲) به‌طورکلی می‌توان گفت دلبستگی بر فرآیندی است که ریشه در تعامل انسان و مکان بر پایه عواطف و نحوه شناخت فرد نسبت به مکان و میزان پاسخگویی مکان به نیازهای او دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹) این به

آن معنی است که نحوه قضاوت فرد از مکان، بر اساس نیازهایش، باعث مراجعه مکرر به مکان و شکل‌گیری عواطف و احساسات خوب درونی او می‌شود که حاصل آن متأثر نمودن رفتار فرد در مکان است (چرخچیان، ۱۳۹۲: ۵۷).

هایز و کوگل در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای ارتباط دلبستگی مکانی، مشارکت سیاسی و سرمایه اجتماعی در شهر در بین ساکنان با درآمدهای متفاوت را در شهر واترلو کانادا را مورد بررسی قرار داده و دریافتند که شبکه‌های غیررسمی قوی از سرمایه اجتماعی در محله وجود دارد، اما افرادی که در این شبکه‌ها غیررسمی درگیر هستند، لزوماً در انجمن‌های رسمی محله‌ای شرکت نمی‌کنند. دلبستگی به محله (مکان) با مشارکت اجتماعی دارای ارتباط کامل است و هنگامی که افراد یک محله یا مکان احساس کنند که محله متعلق به آن‌هاست تمایل بیشتری به مشارکت در آن محله دارند. (فالونگ وو، ۲۰۱۶: ۳) در تحقیق به بررسی دلبستگی محله‌ای (مکانی)، مشارکت اجتماعی و تمایل به اقامت در جوامع کم‌درآمد چین که به بالا بردن ثبات محل‌ها کمک می‌کند، پرداخته است. او دریافت که برخلاف عقاید رایج، مهاجران روستایی خود را با مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، نمی‌شناسند و مشارکت غیر فعالانه‌ای در جامعه دارند. ولی در مقابل، ساکنان بازنشسته و از کارافتاده شهرها در فعالیت‌های جامعه شرکت می‌کنند، اما ترجیح می‌دهند شهر را ترک کنند. آنتون و لاورنس (۲۰۱۶: ۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین دلبستگی مکانی، نظریه برنامه‌ریزی شده و رفتار ساکنان به تغییر مکان، به این نتیجه رسیدند که ممکن است افراد با دلبستگی قوی تغییر مکان را منفی ارزیابی کنند، ولی کسانی که نگرش مثبتی در مورد ارزش و اهمیت تغییرات دارند که فعالیت‌های مدنی را در بین خانواده و دوستان خود درک کرده‌اند (Yazdanfar et al, 2013:856). در تحقیقی به ارزیابی اثرگذاری دلبستگی مکانی در ایجاد حس مکان در بازار قدیمی تجریش و مراکز تجاری جدید این منطقه پرداخته است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که دلبستگی مکانی در بازار قدیمی تجریش بسیار بیشتر از مراکز تجاری جدید است.

۲- رضایتمندی سکونتی

رضایتمندی سکونتی به دلیل اینکه بخشی از دامنه رضایتمندی از زندگی در معنای عام است، یکی از موضوعات مهم در زمینه محیط مسکونی محسوب می‌شود. درک مفهوم رضایتمندی سکونتی به منظور شناسایی عوامل مانند جابه‌جایی و مهاجرت رضایتمندی یا نارضایتی سکونتی و نتایج حاصل از آن مؤثر بر خانواده‌ها از محیط مسکونی خود ضروری است. رضایتمندی سکونتی نتیجه ادراک فردی است؛ رضایتمندی سکونتی یک بخش مهم از کیفیت زندگی محسوب می‌شود تا جایی که سنجش رضایتمندی سکونتی را به همانند ابزاری برای بررسی تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های شهری می‌دانند. به عبارتی چنانچه سطح رضایتمندی از وضعیت سکونت بالا باشد، نشان‌دهنده رضایت از مدیریت شهری و ارائه خدمات آن‌ها دانست. هرچه درصد رضایتمندی شهروندان از خدمات‌رسانی مدیریت شهری بیشتر باشد، به همان میزان، تمایل به مشارکت در امور شهری افزایش خواهد داشت (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹) با افزایش میزان مشارکت شهروند در فرآیند مدیریت شهری، میزان رضایت فرد از زندگی نیز افزایش می‌یابد. از طرفی، احساس رضایت شهروندان از زندگی‌شان با سطح مشارکت آن‌ها در فرایندهای مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی شهر، رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲).

۳- همبستگی و تعاملات اجتماعی

یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی، مفهوم همبستگی اجتماعی است. همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علایق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است. این واژه با واژه‌های دیگری همچون یکپارچگی اجتماعی، وحدت، وفاق اجتماعی، نظم اجتماعی از یک خانواده هستند. همبستگی، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آن‌هاست (بداغی و ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). تعامل و حس مکان باعث ایجاد نیروی درونی در افراد برای احساس راحتی در محیط می‌شود. در این صورت افراد مایل به همکاری در مناسب و پروژه‌ها، همچنین شرکت در مناسبت‌ها و اعیاد ملی و مذهبی می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۴- اعتماد اجتماعی

یکی از مفاهیم عمیق و حیاتی که باعث قوام اجتماعی جوامع می‌شود مفهوم اعتماد است. ارتباط ناب وابسته به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به‌نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، اشخاص باید هم به دیگران اعتماد کند و هم خودشان حداقل در محدوده رابطه موردنظر قابل اعتماد باشند (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۲). به‌گونه‌ای که اعتماد را یکی از عوامل حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می‌دانند (Putnam, 1996:65). اعتماد اجتماعی یکی از شاخصه‌های سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه‌یافته مطرح شده است. این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نشان از اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). به‌طور کلی اعتماد یکی از واکنش‌های فرد در قبال دیگران و به‌عنوان بخشی از برهم‌کنش بین کارگزاران اجتماعی است. اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر اساس آن یک کنشگر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آن‌ها را قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند (Larson, 2007:222). همچنین می‌توان

گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سطح مشارکت اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی افراد است (ملکی و امیدوار، ۱۳۹۴: ۱۳۳). درمجموع، بین اعتماد اجتماعی و مشارکت در شهرها رابطه معنادار وجود دارد (پارسامهر، ۱۳۹۲: ۲۵۳). اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی، ارتباط نزدیکی با مشارکت شهروندان دارد. بر این اساس، هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر گردد، مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می‌شود (نیکخواه و سادات احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

۵- آگاهی اجتماعی

یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است. آگاهی یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. آگاهی را می‌توان در درجه نخست از طریق ایجاد روحیه آموزش در فرد و در وهله دوم، آگاهی دادن از طریق آموزش حقوق و مسئولیت‌های افراد در قبال محیط ساکن، ایجاد یا تقویت کرد؛ به‌نحوی که فرد با آگاهی یافتن از حقوق و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و محیط می‌تواند رفتاری درست که در جهت بهبود وضعیت محله خواهد بود، انجام دهد (ابراهیم‌زاده و زارع، ۱۳۹۳: ۵). در این میان آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف مدیریت شهری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور اجتماعی از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شده و ثمر ثمر واقع گردد. شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آن‌ها، شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت، یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵). شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است که یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاهی نمی‌شوند یا ابزارهای موجود جوابگوی مشکلات نیست، فرصت‌های مشارکت اجتماعی هم پایین‌تر خواهد بود (دویران، ۱۳۹۳: ۵۹).

اقدام و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی به ارزیابی عامل‌های مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی محله جبین اردبیل)، پرداخته و معتقدند که در مشارکت اجتماعی ساکنان، آگاهی اجتماعی، عوامل اقتصادی و اعتماد اجتماعی نقش اساسی دارند. زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزواری به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در سطح مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی بهسازی محله تأثیر معناداری دارد.

جدول ۱ شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق

شاخص	گویه‌های تحقیق
نگرش به مشارکت	مشارکت شهروندان باعث می‌شود: انسجام و همدلی با مسئولین آن‌ها، احساس غرور و عزت، نقش مهم مشارکت در زندگی، بهبود روابط من با سایر شهروندان، آسان‌تر شدن کارها، مشارکت ایجاد احساس مسئولیت در افراد، افزایش روحیه همدلی وفاق در محل، استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی منابع موجود در محل، تأمین بخشی از منابع پروژه‌های شهری، مشارکت سبب شناسایی مشکلات و نیازها، تسریع در تهیه و اجرای طرح‌های شهری، افزایش رضایتمندی
دلبستگی به مکان	احساس امنیت در محله، استفاده مسجد، پارک و سینما از مراکز محل خود، عدم تمایل به نقل مکان، محل زندگی‌ام بخش از وجود من شده است، اهمیت و ارزش محله، احساس خوشحالی از زندگی و گذراندن اوقات فراغت در محله. علاقه به محل زندگی در مقایسه با سایر نواحی شهر، به تشویق به زندگی در محله و افتخار به آن، احساس آشنایی در صورت رفتن از مکان، وابستگی به محله، عاشق زندگی در محله و محبوبیت محله، احساس آرامش در محله، مشتاق زندگی در همه عمر، در همین محله یا مجاور آن، احساس عضویت در خانواده بزرگی
اعتماد اجتماعی	ضامن شدن برای اهالی، اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، کمک گرفتن از همسایگان برای امنیت خانه، در هنگام نیاز وسایل، اتومبیل خود را در اختیار همسایگان قرار می‌دهید، اعتماد به مراکز خصوصی در شهر

همبستگی اجتماعی	کمک به همسایگان در صورت بروز مشکل، پادرمیانی در صورت بروز اختلاف، همکاری برای حل مشکلات محله، برقراری ارتباط راحت با همسایگان،
تعامل اجتماعی	رفت‌وآمد با دوستان، همسایگان رفت‌وآمد، همفکری در انجام کارها با دیگران، شرکت در مراسم خصوصی و عمومی در محله
آگاهی اجتماعی	میزان استفاده کردن از رسانه‌های صوتی، میزان استفاده کردن از رسانه‌های مکتوب، میزان استفاده از اینترنت، شرکت در کارگاه‌های آموزشی، شرکت در جلسات فرهنگی محله
رضایتمندی	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به مراکز درمانی، دسترسی به مراکز خرید روزانه، فضاهای آموزشی، تفریحی، فرهنگی، رضایت از امنیت محله، رضایت از شرایط زیست‌محیطی محله (بو، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، جمع‌آوری آب‌های سطحی، جمع‌آوری زباله)
مشارکت عملی	کمک مالی برای عمران و آبادی محله، همفکری برای عمران محله با مسئولین، تمایل مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه محله خود، همکاری در بهسازی و نوسازی محله واحد مسکونی خود، همکاری در اصلاح تأسیسات و معابر و تأسیسات زیربنایی، کمک در تهیه و اجرای طرح‌های شهری

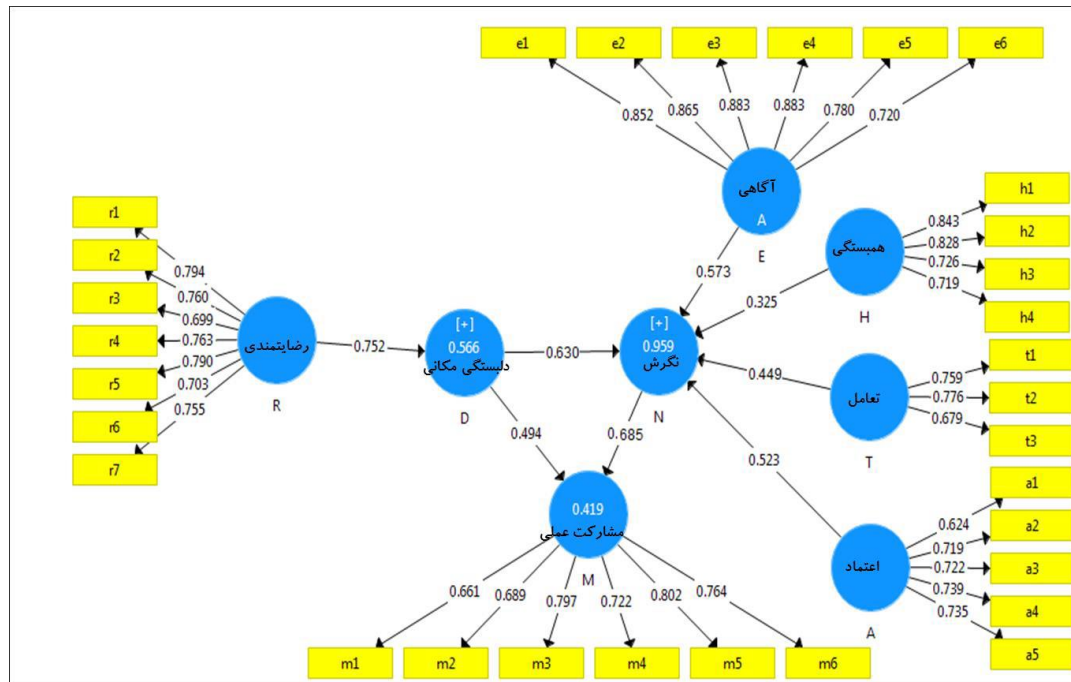
مواد و روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت تحقیق، توصیفی، پیمایشی است. از آنجایی که پژوهشگران به دنبال تعیین رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش بودند، این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری با توجه به متغیرهای پژوهش، ساکنان شهر جدید سهند بودند که برابر با ۷۵۰۰۰ نفر است. حجم نمونه ۴۸۵ نفر تعیین گردید که از طریق فرمول کوکران به دست آمد. برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات موضوع از منابع کتابخانه‌ای شامل مقالات و متون مورد نیاز و نیز از سایت‌های اینترنتی علمی و مجله‌های الکترونیکی و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و پرسشنامه استفاده شده است. با توجه به اینکه روش گردآوری پرسشنامه‌ای است، در این پژوهش از چهار شاخص اجتماعی شامل همبستگی، اعتماد، تعامل، آگاهی و همچنین شاخص‌های دلبستگی مکانی و رضایتمندی و نگرش به مشارکت و مشارکت عملی با تعداد سؤال ۶۸ استفاده گردید. در قسمت تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار smart-pls 3 برای بررسی مدل مفهومی تحقیق استفاده شده است. مقیاس اندازه‌گیری مطابق با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بوده و نحوه نمره دهی به پرسش‌ها نیز از نمره ۱ تا ۵ بوده است. همچنین برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از سه نوع روایی ارزیابی تحت عنوان روایی محتوی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شده است.

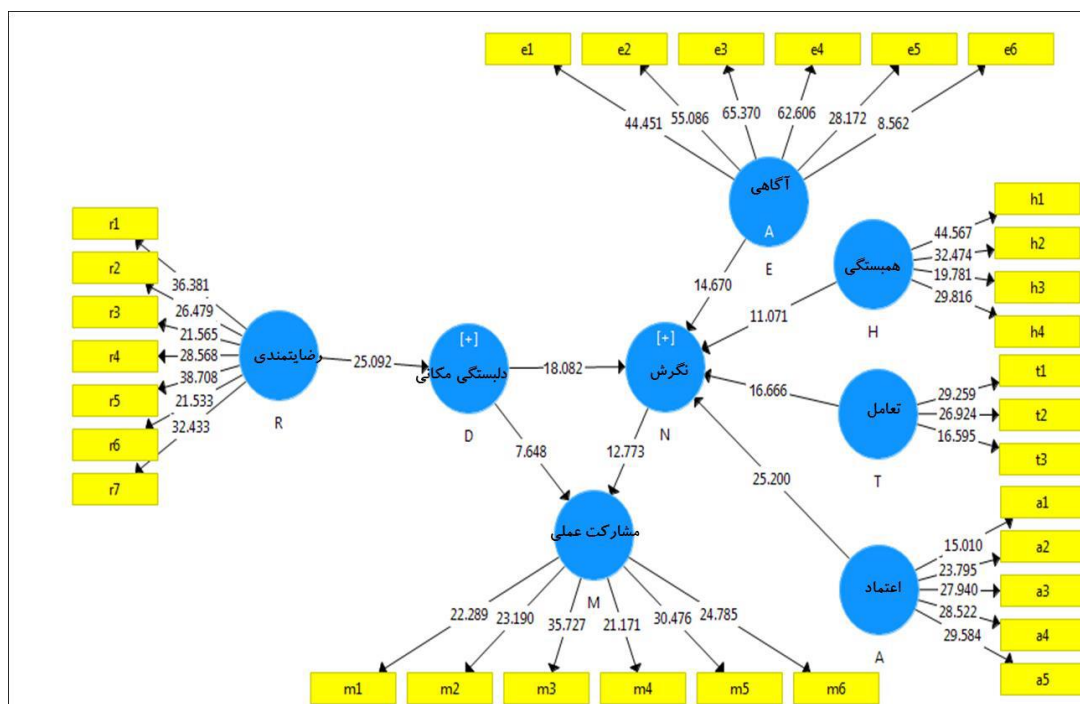
شهر سهند منجمله شهرهای جدیدی است که به‌منظور ایجاد محیط‌های شهری سالم و مناسب با هدف جذب و توزیع جمعیت و ایجاد اشتغال در حومه کلان‌شهر تبریز ایجاد گردیده است. شهر جدید سهند یکی از شهرهای جدید استان آذربایجان شرقی است. این شهر که در ناحیه شمال غربی شهرستان اسکو واقع شده است، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۴۰۰ خورشیدی، با جمعیتی بالغ بر ۷۵۰۰۰ نفر، از جمله شهرهای پرجمعیت استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود (sahand-city.ir). مطالعات مکان‌یابی شهر جدید سهند از بهمن‌ماه سال ۱۳۶۶ شروع و در آبان‌ماه ۱۳۶۹ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. هدف از ایجاد آن، جذب سرریز جمعیت شهر تبریز، ایجاد کانون جدید جمعیت و اشتغال و فراهم کردن زمین مناسب برای توسعه شهری عنوان شده است. راه ارتباطی شهر در وضع موجود از طریق جاده ترانزیت تبریز آذرشهر و در آینده نزدیک از طریق آزادراه تبریز - سهند برقرار خواهد شد.

بحث و یافته‌های تحقیق

در نرم‌افزار smart-pls ارزش t ، معنی‌دار بودن اثر متغیرها را برهم نشان می‌دهد. اگر مقدار t بیشتر از $۹۶/۱$ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی‌دار است. اگر بین $۹۶/۱$ تا $۹۶/۱ -$ باشد، اثر معنی‌داری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از $۹۶/۱ -$ باشد، یعنی اثر منفی دارد، ولی معنی‌دار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای ۶۰% باشد، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد، اگر بین $۳/۰$ تا $۶/۰$ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر $۳/۰$ باشند، ارتباط ضعیفی میان وجود دارد. تصاویر شماره ۱ و ۲ خروجی از نرم‌افزار ضرایب مسیر و مقدار t را نشان می‌دهد که با استفاده از این می‌توان تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخت.



تصویر ۱ مدل آزمون پژوهش (ضرایب مسیر و بارهای عاملی)



تصویر ۲ ضرایب معناداری شاخص‌های پژوهش بر ابعادشان

معیار R Squares یا R2

علاوه بر اعداد معناداری (T) برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش از ضریب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (پنهان) استفاده می‌گردد. معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر بیرون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقادیر ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی مدنظر قرار می‌گیرد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۱۴۶). با توجه اعداد به‌دست‌آمده برای R^2 در جدول ۲ برای متغیرهای پنهان دلبستگی به مکان، مشارکت عملی و نگرش به مشارکت (۰/۵۶۶، ۰/۴۱۹، ۰/۹۵۹) می‌توان گفت مناسب بودن برازش مدل ساختاری تأیید می‌شود.

جدول ۲ مقدار R^2 متغیرهای درون‌زا

مقدار متغیر	مقدار
دلبستگی مکانی	0.566
مشارکت عملی	0.419
نگرش به مشارکت	0.959

طبق جدول شماره (۳) نتایج تحقیق بدین‌صورت به دست آمده است که شاخص آگاهی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۵۲۳ و آماره $t = ۲۵/۲۰۰$ بر شاخص نگرش به مشارکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. شاخص تعامل اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۴۹۹ و مقدار $t = ۱۶/۶۶۶$ بر شاخص نگرش به مشارکت تأثیر و مستقیم معنی‌داری دارد. ضریب مسیر ۰/۵۷۳ با مقدار $t = ۱۴/۷۷۰$ برای شاخص اعتماد اجتماعی نشان از تأثیر مثبت و معنی‌دار این شاخص بر شاخص نگرش به مشارکت دارد. در بررسی تأثیر شاخص همبستگی اجتماعی بر شاخص نگرش به مشارکت با ضریب مسیر ۰/۳۲۵ و مقدار $t = ۱۱/۰۷۱$ مشخص گردید که تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج حاصل از بررسی تأثیر شاخص رضایتمندی بر دلبستگی به مکان با ضریب مسیر ۰/۷۵۲ و مقدار $t = ۲۵/۰۹۲$ گواه بر این دارد که شاخص تأثیر قوی و مثبتی دارد. ضریب مسیر ۰/۶۵۸ و مقدار $t = ۱۲/۷۳۳$ در بررسی تأثیر نگرش به مشارکت به مشارکت عملی مشخص‌کننده این است که تأثیر مثبت و قوی دارد. در بررسی تأثیر دلبستگی مکانی بر نگرش به مشارکت با توجه به ضریب مسیر ۰/۶۳۰ و مقدار $t = ۱۸/۰۸۲$ می‌توان گفت تأثیر این شاخص بر نگرش به مشارکت مثبت و معنی‌دار است و ضریب مسیر ۰/۴۹۴ و $t = ۷/۶۴۸$ در بررسی دلبستگی مکانی بر مشارکت عملی حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌داری این شاخص دارد.

جدول ۳ خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	ضریب مسیر	آماره T	p-value	نتیجه
آگاهی نگرش به مشارکت	0/523	25/200	0/000	تأیید
تعامل اجتماعی نگرش به مشارکت	0/449	16/666	0/000	تأیید
اعتماد اجتماعی --- نگرش به مشارکت	0/573	14/670	0/000	تأیید
همبستگی اجتماعی نگرش به مشارکت	0/325	11/071	0/000	تأیید
نگرش به مشارکت عملی	0/658	12/773	0/000	تأیید
رضایتمندی دلبستگی مکانی	0/752	25/092	0/000	تأیید
دلبستگی مکانی	0/630	18/082	0/000	تأیید
دلبستگی مکانی	0/494	7/648	0/000	تأیید

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

این تحقیق که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری می‌پردازد. طبق نتایج تحقیق مشخص گردید که در شهر جدید سهند مهاجرپذیری و تضادهای قومی و فرهنگی سبب کاهش تعاملات و همبستگی‌های اجتماعی می‌شود و این ویژگی‌های که در حوزه سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان رابطه قوی وجود دارد و این بر نگرش به مشارکت تأثیر می‌گذارد. اگر سرمایه اجتماعی در شهر جدید سهند بهبود یابد به دنبال خود نگرش به مشارکت و مشارکت عملی نیز تقویت می‌گردد. از سوی دیگر در شهر جدید سهند سرمایه اجتماعی بیشتر به شکل سنتی آن بروز کرده و خالاً جامعه مدنی که رابط بین مردم و مسئولین و مردم با خودشان گردد مشهود است و از طرفی تعداد زیادی از ساکنان مهاجر می‌باشند و مهاجران به این مکان دلبستگی ندارند. به‌طور کلی می‌توان گفت چنین جامعه مدنی که انجمن‌های شهری و محله‌ای مردم‌نهاد را داراست می‌تواند علاوه بر شناسایی نیازهای مردم و شهر، با ایجاد پل ارتباطی عمیق بین مردم و سازمان‌های شهری از قبیل شهرداری، شرکت عمران شهرهای جدید و شورای اقدام و همچنین می‌تواند باعث تقویت سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در شهر و در نتیجه با اصلاح قوانین شهری موجود که موضوع مشارکت شهروندان در آن کمرنگ است این امر مهم تحقق یابد.

References

1. Azimi, A. (۲۰۱۳). The effect of social trust on the quality of life of students at Islamic Azad University of Borujerd. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*, ۱۰(۳۸), ۱۸۸–۲۱۵. (In Persian)
2. Babaei Aghdam, F., Vaisi Nab, F., Yari Hesar, A., & Heydari Sarban, V. (۲۰۱۵). Evaluating factors affecting public participation in the regeneration of deteriorated textures with emphasis on social capital (Case study: Jahin neighborhood, Ardabil). *Urban Planning Studies Quarterly*, ۳(۹), ۶۵–۹۰. (In Persian)
3. Badaghi, M.H., & Ahmadi Azghandi, H. (۲۰۱۵). A study on the level of social cohesion among students of Islamic Azad University of Mashhad and presenting strategies to strengthen it. *Journal of Jurisprudence and Civilization History*, ۹(۳۷), ۱۰۷–۱۲۳. (In Persian)
4. Bronius, N., & Rigita, S. (۲۰۰۷). Public Participation in City Governance Decision-Making: Theoretical Approach. *Engineering Economics*, ۴(۵۴), ۲۷–۳۵
5. Ching Lin, T., & Chih Huang, C. (۲۰۰۹). Understanding social loafing in knowledge contribution from the perspectives of justice and trust. *Expert Systems with Applications*, ۳۶, ۶۱۵۶–۶۱۶۳
6. Davari, A., & Rezazadeh, A. (۲۰۱۶). Structural Equation Modeling with PLS Software (۳rd ed.). Jahad Daneshgahi Press. (In Persian)
7. Doviran, E. (۲۰۱۴). Evaluating the function of social capital in urban fabrics using AHP (Case study: Zanjan). *Urban Planning Studies Quarterly*, ۱(۳), ۵۵–۷۵. (In Persian)
8. Fornell, C., & Larcker, D. (۱۹۸۱). Structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, ۱۸(۱), ۳۹–۵۰
9. Galster, G. (۲۰۰۳). Investigating behavioural impacts of poor neighbourhoods: towards new data and analytic strategies. *Housing Studies*, ۱۸, ۸۹۳–۹۱۴
10. Galster, G. C., & Hesser, G. W. (۱۹۸۱). Residential satisfaction: compositional and contextual correlates. *Environment and Behavior*, ۱۳(۶), ۷۳۵–۷۵۸
11. Ghafari Gilandeh, A., Moosazadeh, C., & Ahangari, N. (۲۰۱۴). Ranking neighborhood-based civic participation in urban management (Case study: Boukan). *Urban Economics and Management Quarterly*, ۷, ۸۱–۹۹. (In Persian)
12. Gonzalez Parada, X. (۲۰۰۹). Civil Society Participation: A Case Study of Neighborhood Councils in Antofagasta, Chile (Doctoral dissertation, Ohio University).
13. Helly, M. (۲۰۰۱). Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin: Overview of Canadian Research. Second National Metropolis Conference Montreal, ۱۹۹۷
14. Low, S. M., & Altman, I. (۱۹۹۲). Place Attachment. In *Place Attachment* (pp. ۱–۱۲). Springer US.
15. Mccray, J. W., & Day, S. S. (۱۹۷۷). Housing values, aspirations, and satisfactions as indicators of housing needs. *Home Economics Research Journal*, ۵(۴), ۲۴۴–۲۵۴
16. Mesch, G. S., & Manor, O. (۱۹۹۸). Social ties, environmental perception, and local attachment. *Environment and Behavior*, ۳۰(۴), ۵۰۴–۵۱۹
17. Minkler, M., & Wallerstein, N. (۲۰۰۳). *Community-Based Participatory Research for Health*. San Francisco: Jossey-Bass.
18. Nikoukhah, H., & Sadat Ahmadi, Z. (۲۰۱۷). Cultural and social factors affecting civic participation of citizens in Bandar Abbas. *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, ۶(۱), ۱۵۹–۱۸۴. (In Persian)
19. Parsamehr, M. (۲۰۱۳). Social trust and its relation with social participation (Case study: Yazd). *Social Sciences Quarterly*, ۲۰(۶۲), ۲۵۳–۲۸۶. (In Persian)

20. Perkins, D. D., & Long, D. A. (۲۰۰۲). Neighborhood sense of community and social capital. In *Psychological Sense of Community* (pp. ۲۹۱–۳۱۸). Springer US.
21. Putnam, R. D. (۱۹۹۶). Bowling Alone: America's Declining Social Capital. *Journal of Democracy*, ۱(۶), ۶۵–۷۸
22. Rajabi, A. (۲۰۱۱). Modes of citizen participation in urban development processes. *Geographical Journal of Environmental Planning*, ۱۲, ۱۰۱–۱۱۶. (In Persian)
23. Rahnama, M. R., & Razavi, M. M. (۲۰۱۲). The impact of place attac
24. Stedman, R. C. (2003). Is it really a social construction? The contribution of physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*, 16, 671–685.
25. Stedman, R. C. (2006). Understanding place attachment among second home owners. *American Behavioral Scientist*, 50(2), 187–205.
26. Talebi, K., & Dehghan Najmabadi, A. (2013). The impact of structural capital of organizations on identifying entrepreneurial opportunities. *Entrepreneurship Development*, 6(3), 76–86. (In Persian)
27. Ujang, N. (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity. *National Conference on Environment-Behavior Studies*, UiTM Malaysia, pp. 156–167.
28. Williams, D. R., Patterson, M. E., & Roggenbuck, J. W. (1992). Beyond the community metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Sciences*, 14, 1–15.
29. Wickham, T. D., & Kerstetter, D. L. (2000). The relationship between place attachment and crowding in an event setting. *Event Management*, 6(3), 167–174.
30. Wu, F. (2016). Neighborhood attachment, social participation, and willingness to stay in China's low-income communities. *Urban Affairs Review*, XX(X), 1–24.
31. Yazdanfar, S. A., Heidari, A. A., Behdadfar, N., & Eskandari, M. (2013). Effect of place attachment in creating sense of place (Case study: Tajrish old Bazaar and new commercial center). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 4(4), 855–862.
32. Yazdanpanah, L. (2007). Obstacles to social participation of Tehran citizens. *Journal of Social Welfare*, 7(26), 105–130. (In Persian)
33. Stedman, R. C. (2006). Understanding place attachment among second home owners. *American behavioral scientist*, 50(2), 187-205.
34. Ujang, N. (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity *National Conference on Environment-Behavior Studies*, Faculty of Architecture, Planning & Surveying, University Technology MARA, Shah Alam, Selangor, Malaysia, 14-15, pp 156-167.
35. Wickham, T.D, Kerstetter, D.L. (2000). The Relationship Between Place Attachment and Crowding in an Event Setting, *Event Management*, Volume 6, Number 3, pp. 167-174(8)
36. Williams Danie, Michael Patterson and Joseph Roggenbuck (1992). Beyond the community metaphor, examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Science*, volume 14.
37. Wu, F. (2016). Neighborhood Attachment, Social Participation, and Willingness to Stay in China's Low-Income Communities, *Urban Affairs Review* XX(X), pp. 1-24
38. Yazdanfar.S.A, Heidari.A.A, Behdadfar.N, Eskandari M. (2013) Effect of place attachment in creating sense of place Case study: Tajrish old Bazaar and new commercial center, *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, Vol, 4(4): pp. 855-862(In Persian)